فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

حکمرانی دانش علمی و نقش آن در شکل گیری محتوای پژوهش

قصه روستای چشمه سار

رضا طهماسبی‌بلوک‌آباد
پژوهشگر حلقه حکمرانی علوم اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

به‌مناسبت هفته پژوهش، هر روز پرونده ویژه حلقه حکمرانی علوم اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع) با رویکرد سیاستی-آموزشی منتشر می‌شود.

«مادر که متوجه کارم شده بود، لبخندی زد و یک جمله ترکی گفت: «بولاغا سو توکماقنان بولاغ اولماز؛ بولاغ گوورک اووزو بولاغ اولا» بعدها که بزرگ‌تر شدم، مدرسه رفتم و... فهمیدم این یک ضرب‌المثل اصیل ترکی بوده و مفهومش این است که «یک چشمه با ریختن آب در آن، چشمه نمی‌شود؛ چشمه باید خودش چشمه باشد و بجوشد.» مادر بارها این ضرب‌المثل را در کارهای مختلف برایم گوشزد کرده است. نگاه به حکمرانی و حکمرانی پژوهش هم می‌تواند قشنگ نگاه به دوگونه چشمه طبیعی و چشمه مصنوعی شخصی را در بر داشته باشد. اگر پژوهش را همان آب جاری‌شده از چشمه بدانیم که بستری گرم و نرم برای خویش گزیده و زیبایی‌هایی از خود خلق کرده است؛ آیا می‌شود آن را بخشنامه‌ای یا به تعبیر دیگر سلسله‌مراتبی پیش برد و چشمه مصنوعی شخصی ساخت؟ به‌نظرم این کار، مثل لبخندی که مادر به بازی من زد، محرک خنده و لبخند صحابی اندیشه است. آیا باید در پی ایجاد چشمه‌های طبیعی باشیم؟ اصلا چشمه طبیعی مگر دست انسان است که تولید کند؟ در نگاه اول محال به نظر می‌آید و به‌تبع آن عدم‌امکان دخالت و عدم‌امکان حکمرانی پژوهش را رقم می‌زند؛ ولی نگاه عمیق‌تر، مکانیسم‌های راهگشایی را در بر خواهد داشت.» عبارتی که از منظرتان گذشت، بخشی از یادداشت برادر و دوست گران‌سنگم مجتبی جوادی است. ایشان با استعاره چشمه، پژوهشگر و جریان پژوهش را به خوبی ترسیم کرده‌اند.[1] در این یادداشت، داستان روستای چشمه‌سار را که در واقع یک سکانس دیگری از همین قصه است، به صورت زیر نگاشته‌ایم.

روستای چشمه‌سار از روستاهای بسیار دلنشین و باصفای کشور است. این روستا مردم خونگرمی را در خود جای داده است. کدخدای ده نیز بسیار انسان شریف و بزرگواری است. اهالی این روستا انتخابات شورای خودشان را لغو کرده و همه‌چیز را به کدخدا سپرده‌اند و حرف‌ها و کارهای او را همه از جان و دل قبول دارند. کدخدا برای انجام امور روستا و همفکری با بزرگان روستا، دورهمی‌های دوستانه‌ای را تشکیل می‌داد. در این دورهمی‌ها که خیلی دوستانه برگزار می‌شد و کسی آنها را به‌اجبار در آن جلسه نمی‌آورد همفکری‌های زیادی می‌شد. به برکت حضور کدخدا و همفکری یاران او، روستای چشمه‌سار از برکت زیادی برخوردار بود.

در نزدیکی این روستا کوه بلند و خیلی باصفایی وجود داشت که ده‌ها چشمه در آن جاری بود. هریک از آنها در اطراف خودشان گیاهان مختلفی را رویانده بودند و فضای بسیار خوبی رقم خورده بود. برخی چشمه‌ها آب‌هایشان بلااستفاده در میان سنگ‌ها جاری می‌شد و کوه و طبیعتش استفاده چندانی از آنها نمی‌کرد.

روزی یکی از اهالی روستا کدخدا را دید و درمورد چشمه‌های کوه با او صحبت کرد. او به کدخدا گفت: «این چشمه‌ها بلااستفاده مانده‌اند و کسی از آنها استفاده نمی‌کند. راه کوه هم صعب‌العبور است و به راحتی نمی‌توانیم از این فضا استفاده کنیم. کاری کنید بتوانیم از این چشمه‌ها بیشتر استفاده کنیم.» صحبت‌های مشهدی‌علی، کدخدا را به فکر فرو برد. او طبق معمول، یک دورهمی با یاران خود تشکیل داد و مساله را با آنان در میان گذاشت. کدخدا گفت تصمیم دارد کاری کند که اهالی روستا از این چشمه‌ها بهره‌مند شوند. او گفت هرکسی در این‌باره نظری دارد بگوید تا ببینیم بهترین ایده چیست که همان کار را انجام دهیم. یکی از بزرگان گفت این کوه و چشمه‌هایش مربوط به ما چند نفر نیست و لازم است همه مردم روستا را از تصمیم خود مطلع کرده و از آنها نظرخواهی کنیم. کدخدا از گفته او خوشش آمد و گفت: «اعلام کنید روز عید غدیر که چند روز بعد بود، اهالی روستا همگی به صرف شیرینی و عیددیدنی به مسجد روستا دعوتند و شخصا هزینه آن را به عهده می‌گیرم. هرکسی درباره چشمه‌های کوه نظری دارد بعد از اتمام میهمانی حضور داشته باشد و نظر خود را اعلام کند تا بالاخره تصمیم نهایی را در این مورد بگیریم.» همه حضار حرف کدخدا را قبول کردند و از روز بعد خبر میهمانی کدخدا در سراسر روستا پیچید.

روز عید فرا رسید. مسجد را آماده پذیرایی از میهمانان کرده بودند. میهمانی ساده‌ای درحال شکل گرفتن بود. میهمانان یکی پس از دیگری آمدند و فضای مسجد تقریبا پر از جمعیت خونگرم روستا شد. کدخدا دم در ورودی نشسته بود و هر کسی که از در وارد می‌شد، ابتدا عرض ارادتی به او می‌کرد. مجلس گرم شده بود و همه با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند. میهمانی کدخدا به انتهایش نزدیک می‌شد. خیلی از اهالی روستا با کدخدا خداحافظی کرده و ضمن تشکر از او، از مسجد خارج می‌شدند. اکثر آنها زمانی که از مسجد خارج می‌شدند خم می‌شدند و به گوش کدخدا می‌گفتند که هر تصمیمی در مورد چشمه‌ها بگیری ما تابع شما هستیم. بالاخره مجلس تمام شد و حدود بیست‌نفر از اهالی روستا داخل مسجد ماندند تا ایده‌های خودشان را برای یاری رساندن به کدخدا بیان کنند. کدخدا قبل از شروع نظرسنجی گفت هر کسی آزادانه نظرش را مطرح کند. او با صدای رسا گفت که نظرات را به ترتیب از نفر اول شروع می‌کنیم. بعد از صلوات حضار، کدخدا رو به مش‌محمد که نزدیکش نشسته بود، گفت: «خب، مش‌محمد نظرت را بگو.» مش‌محمد هم که کوهنورد ماهری بود و هر جمعه به کوه‌های اطراف می‌رفت، گفت: «ما اصلا نباید به چشمه‌ها و دامان طبیعت دست‌اندازی کنیم. چشمه‌ها باید به حال خودشان رها شوند و زیبایی‌های خودشان را حفظ کنند.» در این داستان چشمه در واقع همان نقش پژوهشگر را دارد و آب زلالی که از چشمه جاری است، دانشی است که پژوهشگر آن را تولید می‌کند. برخی روشنفکران مثل مش‌محمد فکر می‌کنند و می‌گویند که اصلا نباید با پژوهشگر کار داشته باشیم بلکه باید او را کاملا آزاد و رها نگه داریم؛ چراکه بهترین پژوهش را خودش انجام خواهد داد و هر کاری با پژوهشگر کنیم، آزادی او را محدودتر خواهیم کرد و درنتیجه کیفیت انجام پژوهش او پایین خواهد آمد. مشهدی‌یوسف که معمار بود، گفت: «باید چند تا از چشمه‌های پرآب را به عمق حداقل دومتر حفاری کرده و آنها را تا روستا لوله‌گذاری کنیم و از این طریق آب گوارای زیادی برای اهالی روستا فراهم می‌شود.»

خیلی از ما دیده‌ایم که در برخی روستاها یا شهرها برای اینکه برداشت آب از چشمه راحت‌تر و سریع‌تر باشد، لوله‌ای را در دهانه چشمه و کمی عمیق‌تر قرار می‌دهند. شاید گاهی لازم است درمورد دانش نیز همین اتفاق بیفتد. یعنی لازم باشد دسترسی به دانش موجود را تسهیل کرد و دانش را از کانال‌های مختلفی در اختیار پژوهشگر قرار داد و دستیابی به آن را تسهیل کرد.

حاج‌علی که در شهر یک بنگاه داشت، گفت: «باید در کنار هر چشمه یک باغ پر از درخت ایجاد کنیم. با این کار مکان‌های تفریحی خوبی برای روستا درست می‌شود و مردم روستاها و شهرهای اطراف برای بازدید می‌آیند و روستا کم‌کم رونق اقتصادی پیدا می‌کند.»

این کار شبیه برخی موسسات علمی است که مقالات را نمایه کرده و اقدام به فروش آنها می‌کنند.

مش‌قربان گفت: «من موافق این ایده‌ام. حتی می‌توانیم توسعه دهیم و کم‌کم یک پارک تفریحی بزرگ آماده کنیم.»

کربلایی حسین که یک کشاورز تمام‌عیار و مورداحترام بود، گفت: «درکنار هر چشمه باغ‌های پرمیوه درست کنیم تا اهالی روستا به‌طور رایگان از آن میوه‌ها استفاده کنند.»

سیدکریم که یک بقالی در روستا داشت، گفت: «برویم و دبه‌های زیادی خریداری کنیم و آب چشمه‌ها را که صعب‌العبورند به داخل روستا بیاوریم و هرکسی خواست از این آب‌ها استفاده کند.» اما کربلایی حسین گفت: «ممکن است برخی افراد محلی فورا دست به‌کار شوند و آب چشمه را در ظروف مختلف پر کرده و به بهانه دسترسی راحت‌تر به مردم بفروشند. گاهی هم به خاطر فشار پایین آب، ممکن است آب دبه‌ها را از جایی غیر از چشمه پر کرده باشند. کسی چه می‌داند که آب درون ظرف تقلبی است.» در عرصه علم نیز متاسفانه جریان‌هایی شکل گرفته‌اند که همین کار را می‌کنند. مثلا به صورت ماشینی مقاله می‌نویسند که معلوم نیست چه بلایی بر سر سیر علم می‌آورد و صدای خرابی‌هایی که به بار می‌آورد، کی گوش ما را خواهد نواخت؟ دانش‌هایی تولید می‌شوند که ماهیتا از راه درست علمی شکل نگرفته‌اند و آورده‌های علمی آنها مناسب نیست. یا نظیر دبه‌های قلابی، دانش‌های غیرعلمی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند.

حاج‌غلامعلی چوپان گفت: «در امتداد چند چشمه که آب آنها با یک آبراه بسیار باریک تا پایین روستا می‌آید، حوضچه‌هایی درست کنیم که به مرور زمان آب در آنها جمع شود و بتوانیم گوسفندان خود را به راحتی آب دهیم.» سیدکریم هم که کنارش نشسته بود به شوخی گفت: «چرا گوسفندان؟ پس خود ما چی؟ ما کمی از گوسفند نداریم.» با این حرفش خنده‌ای بر جو مجلس حاکم شد و هرکس یک شوخی می‌کرد و حرفی می‌پراند. گاهی لازم است برای استفاده بهتر از دانش شبیه ایده غلامعلی چوپان، درکنار آن حوضچه‌هایی تشکیل شود که بتوان به راحتی از آب چشمه استفاده کرد. در دسترسی به دانش نیز نظیر این کار را می‌توانیم داشته باشیم.

کدخدا گفت: «حاج‌اسماعیل‌خان، شما هم نظر خودت را اعلام کن...»

حاج‌اسماعیل‌خان هم که میرآب روستا بود، گفت: «من می‌توانم آبراه‌های طبیعی که در کنار هر چشمه تشکیل شده را به مسیرهای دلخواه شما تغییر دهم.» او گفت: «حتی می‌توانم آبراه‌های چند چشمه را به همدیگر متصل کنم که یک رودخانه نسبتا بزرگی ایجاد شود. این رودخانه را می‌توانیم از نزدیک روستا عبور دهیم.» این حرف او حضار را به فکر فرو برد. سوالی در ذهن همه شکل گرفته بود که چگونه می‌توان آب چشمه‌ها را به راحتی به همدیگر وصل کرد؟ آیا می‌توانیم آبی را که از چشمه جاری شده است، به مسیر دلخواه خود هدایت کنیم؟ و «آیا می‌توانیم»های دیگری که امکان آن دشوار به نظر می‌رسید.

آیا واقعا می‌توان تغییراتی اینچنین در آب چشمه که در واقع همان «دانش تولید شده» است، ایجاد کرد؟ برخی ممکن است در نگاه اول بگویند که جواب این سوال منفی است. مگر می‌شود آبراهه‌های چشمه که به صورت طبیعی شکل گرفته‌اند را تغییر جهت داد؟ غافل از اینکه شاید تکنولوژی وجود داشته باشد که بتواند این خواسته را به ارمغان آورد.

نفر بعدی، حاج‌علی بود که گفت: «مسیرهای دسترسی به چشمه‌ها را هموار کنیم تا مردم روستا بتوانند به‌راحتی به آنها دسترسی داشته باشند.» آقاسیف‌الله که او هم یک کشاورز بود و فکر اقتصادی داشت، وقتی این نظر را شنید، گفت: «بله، مسیرهای دسترسی به چشمه‌ها را هموار کنیم و پای کوه، یک دروازه ورودی تاسیس کنیم. در شهر و روستاهای اطراف هم تبلیغ کنیم که برای بازدید بیایند. از هرکدام از بازدیدکننده‌ها یک مبلغ مشخصی بگیریم و با درآمد به دست آمده کارهای توسعه‌ای برای روستا انجام دهیم.»

مش‌غلام هم که یک مغازه تجهیزات کشاورزی داشت، گفت: «درکنار هر چشمه پمپ آب تعبیه کنیم و آب چشمه‌ها را در درون لوله‌های آبیاری قطره‌ای قرار دهیم. با این کار می‌توانیم کل زمین‌های کشاورزی اطراف روستا را آبیاری قطره‌ای کنیم.»

مش‌قاسم که از گیاهان دارویی کوه، عصاره می‌گرفت و می‌فروخت، گفت: «گاهی ممکن است این آب آلوده باشد و برای دست یافتن به آب زلال مجبور باشیم فیلترهایی را در اطراف چشمه در درون زمین جاسازی کنیم.»

همین کار را می‌توانیم در تولید دانش استفاده کنیم. مثلا می‌توانیم با قرار دادن سازوکارهایی امکان خطای علمی را کاهش دهیم. درنتیجه دانشی که تولید می‌شود، دقت بالاتری خواهد داشت. کربلایی مهدی حرف عجیبی زد. او گفت: «بیایید کاری کنیم که طعم آب چشمه‌ها عوض شوند و آب چشمه‌ها تبدیل به آب سیب شود و بوی سیب دهد.» این جمله با تعجب حضار همراه شد. درحالی که کربلایی مهدی برای این کار ایده عملیاتی داشت. او گفت: «آبی که از چشمه خارج می‌شود به منابع پرآب زیرزمینی وصل است. می‌توانیم با مطالعات زمین‌شناسی متوجه شویم که دلیل اینکه آب چشمه فلان طعم را دارد چیست.» آب موجود در منابع زیرزمینی در واقع همان اجتماع علمی پژوهشگران و دانش موجود است که باعث می‌شود دانشی از همان سنخ تولید شود. اگر بتوانیم همکاری‌های علمی را تغییر دهیم، توانسته‌ایم در دانش تولیدشده هم تاثیر ایجاد کنیم. حاج‌سیفعلی که یک نجار بود، گفت: «گاهی وزارت بهداشت برای شناخت هرچه بیشتر آب، استانداردهایی تعیین می‌کند و براساس آنها مواد محلول در آب چشمه‌ها اندازه‌گیری و به‌عنوان شناسنامه چشمه شناخته می‌شود.»

در حکمرانی دانش علمی نیز لازم است نظیر این کار انجام گیرد، یعنی یک معیاری برای شناخت کیفیت دانش باشد. این کار تقریبا توسط علم‌سنجی انجام می‌گیرد به‌طوری که با استفاده از آن می‌توان علوم مختلف و پژوهشگران و موسسات علمی مختلف را سنجید و کیفیت آنها را برای همگان روشن کرد.

مش‌محمدعلی و دیگران هم نظرات مختلفی بیان کردند. نظرات مطرح‌شده خیلی متنوع بودند. هریک از افراد از یک زاویه به مساله نگاه می‌کردند. بعضی از نظراتی که بیان می‌شد، سکوت و برخی دیگر شوخی حضار را به دنبال داشت و برخی‌های دیگر...

بالاخره کم‌کم اذان مغرب نزدیک می‌شد و تصمیم درمورد چشمه‌ها به خاطر پیچیده بودن مقوله چشمه و اینکه اگر چشمه را دستکاری کنیم ممکن است دیگر آن چشمه قبلی نباشد یا کلا نابود شود، به جایی نرسید و جمع‌بندی به فردای روز عید موکول شد. اما تنها یک حرف مورد قبول همه واقع شد و آن اینکه ای کاش این دورهمی زودتر از اینها برقرار می‌شد و تا امروز از برکت وجود این چشمه‌ها بهره‌مند شده بودیم.

در جریان دانش کشور هم همین افسوس وجود دارد که چرا تا الان کار جدی نکردیم و حتی مطالعات انجام شده در دنیا را در این موضوع ندیده‌ایم. اما نباید مأیوس شد، حداقل الان می‌توان دست به کار شد و برای آینده کاری کرد.

ممکن است نظیر این داستان، هزاران چشمه در یک مکانی جاری باشد که آبراهه‌های آن هرکدام در مسیری متفاوت حرکت کنند. در این صورت چشمه‌ها به‌جز زیبایی اطراف خودشان، چندان مثمرثمر نخواهند بود. اما اگر مسیر جریان آب آنها به یک جهت خاص هدایت شود، چه‌بسا بتوانیم رودخانه بزرگی ایجاد کنیم. حال اینکه اگر بتوانیم مسیر این رود را به یک جهت خاص و به یک منطقه دوردست هدایت کنیم، منشأ آثار زیادی خواهیم بود. اگر بتوانیم پژوهش را نیز به سمت یک حوزه خاص هدایت کنیم، چه‌بسا به‌جای پراکنده‌گویی‌های علمی و حل مسائل دست‌دوم، در کوتاه‌مدت شاهد حل سریع مسائل اصلی به بهترین نحو ممکن شویم، چراکه دانش تولید شده، دانش موجود را خواهد ساخت و دانش موجود هم باعث ایجاد دانش جدیدتری از سنخ همان دانش خواهد بود. همان‌طوری که برخی چشمه‌ها طوری هستند که آب آنها مجددا به درون منابع زیرزمینی منتقل خواهد شد یا از طریق تبخیر به دامان طبیعت بازخواهد گشت. بنابراین دانش تولیدشده نیز به نوبه خود در خلق منابع علمی نقش دارد و رنگ و بوی آن را تغییر می‌دهد. اینکه بخواهیم دانش تولیدشده توسط پژوهشگران را به مسیر خاصی هدایت کنیم، کار دشواری است، کاری است که روش‌های زیربنایی و اساسی می‌طلبد. طبیعی است وقتی می‌خواهیم آب یک چشمه را شیرین کنیم، با ریختن شکر در اطراف آن، این اتفاق نمی‌افتد. این شبیه ضرب‌المثلی می‌شود که در ابتدا اشاره شد. البته در کوتاه‌مدت شاهد تغییر مزه آب خواهیم شد اما در طول زمان دوباره مزه آب به حالت اول برخواهد گشت.

پژوهشگر نیز مانند چشمه به‌شدت مقوله پیچیده‌ای است، به‌طوری که نمی‌شود با دستورالعمل و امر و نهی او را به کاری وادار کرد. بنابراین لازم است کار بنیادین و اساسی برای شیرین کردن آب چشمه انجام دهیم که در سالیان سال بتواند آب موردنیاز ما را تامین کند. یا حتی اگر آب چشمه تلخ است و منطقه را آلوده می‌کند، باید سازوکاری طراحی کنیم که آب آن زلال و قابل استفاده باشد. گاهی لازم است در شرایط زیست‌محیطی مناطق چشمه‌خیز تغییراتی ایجاد کنیم. گاهی آب چشمه زلال است ولی چون از بین مکان‌های آلوده عبور می‌کند، آلوده است و با تغییر جزئی مسیر آب می‌توان این مشکل را حل کرد و از آب زلال استفاده کرده و آب آن را به مسیرهای دلخواه خود هدایت کرد.

نتیجه‌گیری

ما در حکمرانی دانش علمی به دنبال این هستیم که بتوانیم به آبراهه‌ها (جریانات تولید دانش) که از چشمه (پژوهشگران) سرچشمه می‌گیرند، نظم دهیم و تغییر محتواهای پژوهش را از منظر اهرم دانش بررسی و کشف کنیم. این کار مکانیسم‌های خاص خود را می‌طلبد و ما به‌دنبال کشف این مکانیسم‌ها و نحوه عملیاتی کردن آنها هستیم. البته این کار طبیعتا دشواری‌های خاص خود را دارد؛ اما با اتخاذ رویکردها و استفاده از مکانیسم‌های خاص ممکن خواهد بود. در این راستا پژوهش‌های مختلفی در دنیا انجام شده است، اما متاسفانه در کشور ما حتی ادبیات نظری آن شناخته‌شده نیست. ما حدود پنجاه منبع مفید را در حوزه حکمرانی دانش علمی شناسایی، تورق و مطالعه کرده‌ایم. از میان آنها برخی مقالات را به دقت ترجمه و مباحثه کرده‌ایم. این ادبیات باید در کشور ما نیز به صورت یک گفتمان علمی درآید. بر همین اساس ما به یاری خداوند درصدد برافراشتن پرچم این حوزه علمی- عملی خواهیم بود که -ان‌شاءالله بتوانیم در ورطه هدایت مسیر پژوهش نیز تاثیرات آن را ببینیم.

پی‌نوشت

1-https://rushd.ir/?p=2167

نوبت اول

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول در نظر دارد با استناد مجوز ۹۹/۶/۱۶۷۷۸ دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان قسمتی از امور خدماتی، فضای سبز و تاسیساتی خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران شرکت‌ها/ واجد شرایط واگذار نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت می‌شود جهت خرید اسناد مناقصه به واحد تدارکات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول یا سایت www.iaud.ac.ir مراجعه نمایند.

میزان سپرده شرکت در مناقصه، مبلغ ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. ضمنا هزینه درج آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

حداکثر زمان عودت اسناد: دو هفته کاری بعد از درج آگهی

هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول در رد یا قبول درخواست‌ها مختار است.

آدرس (برای مراجعه جهت خرید و تحویل اسناد): دزفول- کوی آزادگان- بلوار دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول- واحد تدارکات- تلفکس: ۰۶۱۴۲۴۲۲۹۰۱

تدارکات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

نوبت سوم

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) در نظر دارد غرفه لوازم دندانپزشکی دانشکده دندانپزشکی را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط مندرج در اسناد مزایده واگذار نماید. متقاضیان در صورت تمایل از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید از مکان و اخذ مدارک و فرم‌های مربوطه به آدرس سایت دانشگاه به نشانی www.khuisf.ac.ir مراجعه نمایند. تلفن جهت کسب اطلاعات ۰۳۱۳۵۳۵۴۰۵۳ یا ۰۳۱۳۵۰۰۲۵۹۷

شرایط مزایده: ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا چک تضمین‌شده بانکی در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی میلیون ریال) که بایستی ضمانت‌نامه مذکور حداقل به مدت سه ماه معتبر باشد (با قابلیت تمدید) یا واریز مبلغ فوق به حساب شماره ۰۲۲۳۲۵۵۶۲۱۰۰۸ با شناسه واریز ۴۱۹۲۱۴۰۱۰۰۰۲ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)- واریز فیش بانکی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۲۲۳۲۵۵۶۲۱۰۰۸ بانک ملی ایران با شناسه پرداخت ۴۱۹۲۱۴۰۱۰۰۰۲ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) بابت خرید اسناد مزایده. کلیه کسورات قانونی برعهده مستاجر می‌باشد. هزینه درج آگهی‌ها برعهده برنده مزایده می‌باشد. دانشگاه در رد یا قبول تمامی پیشنهادات مختار است.

روابط عمومی و اطلاع‌رسانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان
@farhikhtegandaily

آگهی احضاریه

نظر به اینکه درخواست تجدیدنظر آقای محمد حسن‌زاده فرزند امامعلی به علت نقض قوانین و مقررات مربوط، در هیات تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در دست بررسی است و تاکنون جهت روشن‌شدن وضعیت خدمتی خود مراجعه ننموده‌اند، لذا براساس مقررات به نامبرده اطلاع داده می‌شود، حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نسبت به ارسال دفاعیه خود به این هیات به آدرس تهران- ولنجک- جنب بیمارستان طالقانی- ستاد دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی- ساختمان شماره دو- طبقه چهارم اقدام نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر برابر ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد شد و در صورت عدم مراجعه در مهلت تعیین‌شده غیابا رای صادر می‌گردد.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

م.الف ۲۸۸۳